

شالیزارها و قنات‌ها

اولین‌ها

آقای حاج مجید پاسالاری (قنبر) لطف فرموده و مطلبی تحت موضوع ذیل برای قاصدک ارسال نموده‌اند:

«مشهور است که در ابتدا زمین‌های بهجان تحت سیطره‌ی بادنجان بوده است. تا حدود ۳۵۰ سال پیش که فردی به نام «حاج نصیرالملک شیرازی» این ملک و زمین را از بادنجانی‌ها خریده و اقدام به حفر قنات‌هایی در این منطقه می‌نماید. نام اصلی وی حاج حسن بوده است و از همین روی قنات حسن‌آباد که امروزه اهالی آن را «حسنوا» (Hasnava) می‌خوانند، از نام وی گرفته شده است. وی در ضمن اقدام به حفر قنات آبسوراخ، قنات پاریاب یا پورو (Porow) و قنات باغ شهرجن نموده است. البته این نقل قول از زبان مرحوم حاج نصیر پاسالاری بیان شده است.»

ضمن تشکر از زحمت برادر بزرگوارمان جناب آقای پاسالاری در ارسال این مطلب، در توضیح مطلب فوق باید عنوان کنیم: آن چه که به نظر می‌رسد این است که ممکن است این گفته تا حدودی نزدیک به صحت باشد، اما به صورت قطعی پذیرش ندارد. به چند دلیل:

دلیل اول: اگر زمین‌های بهجان متعلق به بادنجانی‌ها بوده است، پس اهالی بهجان که سابقه‌ی سکونتشان در منطقه‌ی بهجان بسیار قدیمی است و کسی به درستی از آن اطلاع و آگاهی ندارد، چه می‌کرده‌اند و چگونه امرار معاش و زندگی می‌نموده‌اند؟! دلیل دوم: بهجانی‌ها در بهجان خانه داشته‌اند، آیا کسی که زمین نداشته باشد، می‌تواند خانه بسازد؟! دلیل سوم:

دلیل چهارم: شغل اکثریت قریب به اتفاق اهالی بهجان در زمان قدیم کشاورزی و دامداری بوده است، آیا کسی که زمین نداشته باشد، می‌تواند کشاورزی نموده و یا دامداری نماید؟! دلیل چهارم:

اگر در باره‌ی قنات پاریاب «پورو POWROW» یا همان «حسنوا Hasnava» یا قنات آبسوراخ نمی‌توان به طور دقیق اظهار دلیل نمود اما حداقل در باره‌ی چشمه‌ی باغ شهرجن می‌توان به موارد زیر اذعان داشت: اولاً باغ شهرجن قنات ندارد و آب این منطقه همیشه از چشمه‌ای که در تنگه‌ی باغ شهرجن وجود دارد، تأمین می‌شده است و این از جوی‌های ساروجی این چشمه کاملاً مشخص است.

ثانیاً طبق شواهد موجود، ساروج جوی چشمه‌ی باغ شهرجن بالغ بر هفتصد سال قدمت دارد. در حالی که طبق گفته‌ی فوق که حاج حسن ۳۵۰ سال قبل این منطقه را از بادنجانی‌ها می‌خرد، همخوانی ندارد. از این رو این قضیه مشهور به صحت نمی‌تواند باشد و احداث ساروج این چشمه هم که دست کم ۳۵۰ سال قبل تر از دوران زندگی مرحوم حاج حسن وجود داشته است، دلیل دیگری بر این مدعاست.

چنانچه خوانندگان محترم قاصدک نظری در این باره دارند، خوشحال خواهیم شد که ضمن اطلاع از نظر دوستان، آن را به سمع و نظر سایر عزیزان هم برسانیم.

اولین چکمه‌های آسمانی در بهجان!



در اصطلاح لغوی، چکمه گونه‌ای پای‌افزار است که معمولاً هم پا و هم قوزک پا را می‌پوشاند. برخی چکمه‌ها تا زانو و گاه تا بالای زانو را هم می‌پوشانند.

پاشنه‌ی چکمه‌ها معمولاً به گونه‌ای ساخته می‌شود که از بقیه‌ی کف چکمه قابل تشخیص باشد. چکمه‌ها در آغاز برای کارگران درست شده بود ولی امروزه چکمه‌های زیادی نیز برای زیبایی و مد به ویژه برای بانوان ساخته می‌شود.

چکمه واژه‌ای برگرفته شده از ترکی است و معادل فارسی آن موزه (Mowzeh) یا پای‌پوش است.

اولین چکمه توسط مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای کربلایی علی‌ناز بهجانی (ره) در حدود بیش از ۵۰ سال قبل به بهجان آورده شد.

از آن جا که وی علاوه بر تحصیل در دروس حوزوی، کارمند شرکت نفت آبادان هم بود، لذا از نعمت وجود چکمه که آن وقت‌ها مخصوص کارگران شرکت‌های مهم کشوری بود، برخوردار بود.

گفتنی است که مردم در روزهای سیل و بارانی چکمه را از آن مرحوم قرض می‌گرفته‌اند و برای بازکردن معابر یا عبور دادن و انتقال کودکان از روی رودخانه جلوی مسجد (روغونه) از چکمه بهره می‌برده‌اند.

با وجودی که چکمه در آن روزها پافزاری مهم بوده است، اما جناب مرحوم کربلایی بدون هیچ چشمداشتی آن را فی‌سبیل‌الله به هرکسی که لازم داشته، قرض می‌داده است!

خداوند روح آن مرد بزرگ را که انصافاً در اخلاق و بخشش، حاتم طائی زمانه بود، قرین رحمت و واسع‌ه‌ی خودش فرماید.

محمدجواد آقایی (مصطفی)
با تغییر و اضافات کلی